

یکی از واقعیت های مهم هستی وجود تنوع در میان پدیده های عالم است نه تنها گونه های مختلف جانداران و گیاهان با هم فرق دارند بلکه اعضای هر گروه نیز با یکدیگر متفاوت اند. انسان ها نیز مسئول همین قاعده اند. دانش آموزان از لحاظ توانایی های ذهنی روش های آموختن سبک و سرعت یادگیری آمادگی و علاقه و انگیزش نسبت به کسب دانش و انجام فعالیت های تحصیلی با هم تفاوت دارند. بنابراین در نظر گرفتن تفاوت های فردی دانش آموزان در آموزش و برخورد متناسب با ویژگی های خاص آنان از وظایف مهم معلمان است.

عوامل مختلفی موجب تفاوت در میان یادگیرندگان می شوند. آنچه در سال های اخیر بیشتر از عوامل نظر روانشناسان پرورش متخصصان آموزشی را به خود جلب کرده تنوع سبک های یادگیری و تفکر و راهبردها و روش های یادگیری و مطالعه است این تفاوت ها عمدتاً در چگونگی برخورد یادگیرنده با موضوع های مختلف یادگیری و نحوه های فراگیری، نگهداری، داشت، از آن یادگیری های مطرح بوده است (سیف ۱۳۸۸) [ص ۲۵۸]

بیان مسئله:

نتایجی که از مطالعات مربوط به تفاوت های فردی در زمینه ی یادگیری به دست آمده بیانگر این مطلب است که افراد در چگونگی برخورد با یک تکلیف با هم تفاوت دارند، اما این تفاوت ها نشانگر سطح تیزی هوش یا الگوهای توانایی به خصوص آنهاست، بلکه بیشتر ناشی از سبک یادگیری است که افراد مختلف برای پردازش و سازمان دهی اختلافات و برای و اکثر نشان دادن به حرکت های محیطی مورد استفاده قرار می دهند

سبک های یادگیری را می توان یکی از مهم ترین سازه های علم روانشناسی تربیتی محسوب کرد. مواره متخصصان و مربیان به دنبال شناسایی عوامل موثر بر این سازه بوده اند تا از این طریق بتوانند باز دهی یادگیری انسان را در محیط های آموزشی به حد اکثر امکان برسانند.

در این رهگذر باید تلاش کرد تا به گونه ای دقیق متغیر های پیش بینی کننده ی سبک های یادگیری شناسایی شوند تا بتوان شرایط آموزش را بهسازی نموده و تاثیر آن را بر عمل کرد تحصیلی مشاهده نمود. (محمد زاده ی ادملایی، ۱۳۸۸) ص ۱۲۶

عدم توجه تصمیم گیرندگان امور آموزش به تفاوت های فردی در آموزش و یادگیری سبب شکست یادگیرندگان در کسب اطلاعات، توانا شما و مهارت های لازم برای سوادآموزی ، عدم موفقیت در تحصیلات ، شغل و حتی عدم آمادگی برای یک شهروند موثر بودن می گر دد.

همین عدم توجه به تفاوت های فردی مخصوصا در حیطه سبک های یادگیری، سبب ایجاد فضای آموزشی ثابت زمان شروع و پایان یکسان کلاسها، طول ثابت دوره های آموزشی، و عدم ارائه عدم لازم در مرکز تربیت معلم دور زمینه ی توانایی ها (معلمی برای تشخیص سبک های یادگیری) شده است. در نتیجه دانش آموزانی که موقعیت های آموزشی مناسب نسبت به امکانات لازم را برای کسب اطلاعات و موقعیت های تحصیل نخواهند داشت، به اندازه کافی بیشتر وقت نخواهند کرد و گاهی از نظام آموزشی پرت خواهند شد.

شاید یکی از دلایل این بی توجهی به تفاوت های فردی این است که مربیان و روانشناسان آموزشی هر گونه شکست در امور تحصیلی را ابتدا به ناتوانی های هوش و شناختی دانش آموز منتسب می کنند، اما وقتی که یادگیرنده، دارای توانایی یادگیری متوسط حتی بالاتر از متوسط، در تحصیلات با شکست مواجه می گردد، آنها شکست او را به عوامل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و مشکلات هیجانی و عاطفی پیوند می دهند، یا این که نسبت به توانایی معلم در بهره گیری از روش های

آموزشی جدید تر دی می کنند. سال ها پیش کرانباخ ۱۹۶۷ به نقل از مشنتراک، (۲۰۰۱) گفته است
زمان آن رسیده است که جست جو برای روش آموزشی را کنار بگذاریم و به دنبال روش خاص
باشیم که برای یادگیرنده خاص بهترین نتیجه را داشته باشد این کار را می توان با پرداختن به این
که فرد ترجیح می دهد چگونه یاد بگیرد، معنی با تضمین سبک یادگیری فرد به کمک ابزار مناسب
و همخوان کردن روش های تدریس و آموزش با سبک یادگیری او، انجام داد و بخشی از مشکلات
عدم پیشرفت تحصیلی را بر طرف نمود. (علی آبادی، ۱۳۸۷) [ص ۱۰۹۱۱]

ویژگی اساسی انسان بر خورداری از قدرت تفکر است، انسان ها به کمک فکر خود توانسته اند به محیط پیچیده و
متغیر خود مسلط شده و به حیاط خود ادمه دهند .